

پاسخ نقض عملی برجام اقدام متقابل است نه انتقاد لفظی

فلسفه اصلی اقدام متقابل، تاثیرگذاری بر رفتار طرف مقابل و وادار کردن آن به عقب‌نشینی و یا حداقل منصرف کردن آن از زیاده‌خواهی‌های بیشتر است.



فلسفه اصلی اقدام متقابل، تاثیرگذاری بر رفتار طرف مقابل و وادار کردن آن به عقب‌نشینی و یا حداقل منصرف کردن آن از زیاده‌خواهی‌های بیشتر است. متأسفانه در سفر اخیر رئیس‌جمهور و هیئت همراه به آمریکا این رویکرد مشاهده نشد و واکنش دولت در نهایت از انتقاد لفظی فراتر نرفت! روزنامه کیهان- 28 شهریور 96- در آستانه سفر رئیس‌جمهور به نیویورک در گزارشی با عنوان «سوغات سفر وعده نباشد، با شیطان بزرگ اتمام حجت کنید» نوشت: «سفر نیویورک فرصتی مهم برای بیان حقانیت جمهوری اسلامی و تشریح عهدشکنی و کینه‌زوی‌های شیطان بزرگ است. متأسفانه در سفرهای قبلی آقای روحانی، چنین رویکردی مشاهده نشده است».

در بخش دیگری از این گزارش تاکید شد: «در شرایط موجود و با توجه به فرصت پیش آمده در سفر به نیویورک، بهترین روش، برخورد پیش‌دستانه و نامتقارن در مقابل دشمن و ایجاد هزینه برای خبثت‌های حریف است». آقای روحانی عصر پنجشنبه هفته گذشته به تهران بازگشت. با مرور اظهارات مقامات ارشد دولت در نیویورک متأسفانه هیچ نشانه‌ای از برخورد عملی در مقابل دشمن و تلاش برای پایان دادن به عهدشکنی‌های آمریکا در برجام مشاهده نشد.

سکوت تأمل‌برانگیز و نگران‌کننده!

پیش از سفر رئیس‌جمهور به نیویورک، رسانه‌های حامی دولت با هیاهوی رسانه‌ای تاکید کردند که یکی از نقاط عطف این سفر، برگزاری نشست کمیسیون مشترک برجام در سطح وزرای خارجه ایران و کشورهای عضو 5+1 است.

نشست وزرای خارجه ایران و 5+1 به ریاست فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا روز چهارشنبه هفته گذشته در نیویورک برگزار شد. موگرینی در بیانیه پایانی خود، نشست کمیسیون مشترک برجام را «صریح و شفاف» توصیف کرد و گفت «همه‌چیز موافق بودند که همه‌چیز طرف‌ها به تعهداتشان عمل کرده‌اند».

این اظهارنظر تأمل‌برانگیز در حالی بود که پیش از آن، محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه، در تشریح نشست کمیسیون مشترک برجام تاکید کرد که موارد نقض برجام و کوتاهی‌های آمریکا از اجرای تعهداتش توسط تیم ایرانی مطرح شده است.

اظهارنظر مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا این شائبه را ایجاد کرد که ظاهراً اظهارات دولتمردان کشورمان درخصوص تذکر به عهدشکنی آمریکا در نشست کمیسیون مشترک- با عرض پوزش - خلاف واقعیت بوده و گویا اینگونه اظهارات صرفاً مصرف داخلی داشته و با این هدف صورت می‌گیرد که از حجم انتقادات افکار عمومی درخصوص انفعال دولت ایران در مقابل عهدشکنی آمریکا بکاهد.

این شائبه وقتی جدی‌تر شد که بعد از اظهارات عجیب موگرینی، هیچکدام از اعضای دستگاه دیپلماسی ایران به آن واکنش نشان ندادند. در صورتیکه انتظار افکار عمومی این است که درباره اینگونه اظهارات از طرف مقامات کشورمان روشن‌گری شود.

از فشار ایمیلی تا انتقاد لفظی!

بنابر اظهارات مقامات ارشد دولت قرار بر این بود که براساس برجام در قبال ایجاد محدودیت گسترده در توانایی هسته‌ای ایران، تمامی تحریم‌ها در روز اجرا- دی ماه 94- بالمره لغو شود. اما در حال حاضر- نه تنها تحریم‌ها لغو نشد، بلکه با تصویب طرح‌هایی همچون «سیاه چاله تحریم»؛ زیرساخت تحریم‌های جدید نیز طراحی شده است!

اما این اتفاق، امری غیرقابل پیش‌بینی نبود. منتقدان روند مذاکرات هسته‌ای قبل از امضای برجام بارها اعلام کردند که قواعدی همچون «توازن تعهدات»؛ «همزمانی اجرای تعهدات»؛ «تضمین از طرف مقابل»؛ و «پیش‌بینی برگشت»؛ پذیرای امتیازات واگذار شده در صورت نقض عهد»؛ که قاعده عقلی هر قرارداد عادی حقوقی است، در برجام رعایت نشده است و همین امر می‌تواند زمینه‌ساز عهدشکنی آمریکا در توافق هسته‌ای باشد. اما متأسفانه برخی مقامات ارشد دولت و اعضای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای برخورد نامناسبی با انتقادهای کارشناسی داشتند.

پس از امضای برجام، تعهدات ایران به صورت یکطرفه و شتابزده از سوی دولت اجرا شد و زمانیکه نوبت به اجرای تعهدات 5+1 ذیل برجام رسید، دقیقاً یک روز پس از روز اجرا-دی ماه 94- برجام توسط آمریکا نقض شد.

فلسفه اصلی اقدام متقابل، تاثیرگذاری بر رفتار طرف مقابل و وادار کردن آن به عقب‌نشینی و یا حداقل منصرف کردن آن از زیاده‌خواهی‌ها؛ زنج‌های بیشتر است. بر همین اساس معمولاً واکنش متقابل به صورت علنی و آشکار اعلام می‌شود تا از بیشترین میزان تاثیرگذاری برخوردار باشد. اما متأسفانه پس از امضای برجام این رویکرد هیچگاه در واکنش‌های دولت مشاهده نشد.

پس از امضا و اجرای برجام، دولت آقای روحانی در واکنش به گستاخی‌های مکرر آمریکا، به فشار ایمیلی، پیام توییتری، نامه‌نگاری، گلابه محترمانه، انتقاد لفظی و حتی توجیه عهدشکنی اقدام کرد. حال آنکه تنها پاسخ عملی و قاطع به گستاخی آمریکا عمل به 29 شرط اجرای برجام بوده و هست.

ارسال پالس غلط!

در سفر اخیر رئیس‌جمهور و هیئت همراه به آمریکا، در دیدارهای مختلف، موضوع گیری‌های درخصوص برجام صورت گرفت که متأسفانه باز هم از انتقاد لفظی فراتر نرفت.

برای نمونه، وزیر خارجه کشورمان در حاشیه هفتاد و دومین نشست مجمع عمومی سازمان ملل در دیدار وزیر خارجه ژاپن گفت: «سیاست دولت کنونی آمریکا در قبال برجام این پیام را به جهان می‌دهد که مذاکره با آمریکا بی‌فایده است».

نمونه دیگر، اظهارات رئیس‌جمهور در نشست خبری با رسانه‌ها در حاشیه هفتاد و دومین مجمع عمومی سازمان ملل بود. روحانی در پاسخ به سؤال خبرنگار گاردین درخصوص اینکه اگر آمریکا از توافق برجام خارج شود، آیا بقیه امضاء کنندگان بدون ایالات متحده می‌توانند داخل این چارچوب بمانند و آیا این واقع‌بینانه خواهد بود؟ اظهارداشت: «فکر می‌کنم الان زود است درباره این گونه سؤالات بحث کنیم. تقدم همه 5+1 و خود ایران بر این است که این توافق مهم حفظ شود چون به نفع همه است. اما اینکه اگر حفظ نشود چه خواهد شد، موضوعی است که به طور طبیعی هم ما داریم بررسی می‌کنیم، هم اتحادیه اروپا و دیگر شرکای ما در این زمینه بحث دارند. در آن شرایط خود به خود تصمیم مقتضی در این زمینه اتخاذ می‌شود».

رئیس‌جمهور در بخش دیگری از این نشست تأکید کرد: «باید این توافق حفظ شود و ما همه تلاش‌مان را انجام خواهیم داد تا این توافق باقی بماند».

روحانی همچنین در این نشست خبری تصریح کرد: «وقتی کشوری تعهد حقوقی و اخلاقی خودش را به صراحت زیر پا می‌گذارد، حرف زدن و صحبت کردن و مذاکره کردن به معنای اتلاف وقت خواهد بود».

اظهاراتی همچون «بی‌فایده بودن مذاکره با آمریکا»؛ «مذاکره با آمریکا یعنی اتلاف وقت»؛ «کنار اصرار بر حفظ برجام تنها یک پالس به طرف مقابل می‌دهد و آن اینکه می‌توان همچنان برخلاف تعهدات عمل کرد و مطمئن بود که از سوی ایران، واکنش عملی مشاهده نخواهد شد.»

هدف مشترک آمریکا و اروپا

اظهارات اخیر مقامات غربی نشان دهنده این است که برخلاف ادعای مضحک «ایجاد شکاف میان اروپا و آمریکا به واسطه برجام»؛ آمریکا و اعضای اروپایی 5+1 در پی دائمی کردن توافق هسته‌ای و اضافه کردن توان موشکی و قدرت منطقه‌ای ایران به مفاد برجام هستند.

برنامه اصلی این است که ایران را به مسیری هدایت کنند که آن سرش برجامی دیگر است. برجامی که هدف از آن تعمیر «اقدامات نقد در مقابل وعده‌های نسبی»؛ «های نسبی»؛ «های دیگر مولفه‌های قدرت ایران است.»

جای خالی اقدام متقابل

همانطور که پیش از این نیز ذکر شد، فلسفه اصلی اقدام متقابل، تاثیرگذاری بر رفتار طرف مقابل و وادار کردن آن به عقب‌نشینی و یا حداقل منصرف کردن آن از زیاده‌خواهی‌ها؛ زنج‌های بیشتر است. بر همین اساس معمولاً واکنش متقابل به صورت علنی و آشکار اعلام می‌شود تا از بیشترین میزان تاثیرگذاری برخوردار باشد.

فارن پالیسی- مرداد 96- در تحلیلی نوشت: «پاره کردن توافق از سوی آمریکا، به نفع ایران است. پاره کردن توافق در شرایط فعلی می‌تواند بهترین فرصت برای ایران باشد چرا که آن را از تحریم‌ها آزاد می‌کند و به این کشور اجازه می‌دهد بدون محدودیت به تلاش‌های غنی‌سازی ادامه دهد».

«هنری کیسینجر»؛ وزیر خارجه اسبق آمریکا-آبان 95- تأکید کرد: «برهم زدن برجام بیش از آنکه به نفع آمریکا باشد به نفع ایران است».

به ادعای مقامات ارشد دولت، آمریکا تاکنون به دفعات و به صورت فاحش متن و روح برجام را نقض کرده است.

اما در سوی مقابل، رویکرد منفعلانه دولت در واکنش به نقض برجام آمریکایی‌ها را به این نتیجه رسانده که هر چقدر تحریم‌ها شدیدتر و گسترده‌تر شود، پاسخ متقابلی دریافت نخواهند کرد.

در حال حاضر تنها پاسخ عملی و قاطع به گستاخی آمریکا عمل به 29 شرط اجرای برجام است.

نحوه اقدام متقابل علیه آمریکا در ماده 3 «قانون اقدام متناسب و متقابل دولت جمهوری اسلامی ایران در اجرای

برجام؛ مصوب مهر ماه سال 1394 مجلس شورای اسلامی به روشنی مشخص شده است. در این ماده آمده است: «دولت موظف است هرگونه عدم‌پایبندی؛ طرف مقابل در زمینه لغو مؤثر تحریم‌ها یا بازگرداندن تحریم‌های لغوشده و یا وضع تحریم تحت هر عنوان دیگر؛ را به‌دقت رصد کند و اقدامات متقابل در جهت احقاق حقوق ملت ایران انجام دهد و همکاری داوطلبانه را متوقف نماید و توسعه سریع برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران را سامان دهد به‌طوری‌که ظرف مدت دو سال ظرفیت غنی‌سازی کشور به یکصد و نود هزار سو افزایش یابد».